

## چالش‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه

فاطمه پورقاسم<sup>۱</sup>، امیرحسین علی بیگی<sup>۱\*</sup>، عبدالحمید پاپزن<sup>۱</sup>

\*<sup>۱</sup>- گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: آبان ۱۴۰۰

### چکیده

این پژوهش کیفی با هدف بررسی چالش‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی در استان کرمانشاه صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه، صاحب‌نظران محیط‌زیست، منابع طبیعی، ترویج کشاورزی و هم‌چنین سازمان‌های مردم‌نهاد استان کرمانشاه بودند و نمونه‌ها به صورت هدفمند و با روش نمونه‌گیری ملاک محور انتخاب شدند. تحلیل محتوای داده‌ها نشان داد که عدم برنامه‌ریزی سیستماتیک، جامع و متناسب با زمینه، عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال معضلات محیط زیست، عدم ارتباطات سازنده بین بخشی و فرابخشی، اولویت نبودن زنان روستایی در آموزش‌های محیط‌زیستی، مشکلات مربوط به تأمین نیروی ماهر و بودجه کافی برای آموزش به‌ویژه آموزش زنان، سیاست‌ها و ساختار تشکیلاتی ناکارآمد، و حاکم نبودن دیدگاه‌های مدیریتی محیط‌زیست‌گرا سبب عدم برنامه‌ریزی و اجرای صحیح برنامه‌ها و آموزش‌های محیط زیستی به‌ویژه برای زنان شده است. نتایج این مطالعه می‌تواند به برنامه‌ریزان در جهت ارتقاء سطح آموزش‌های محیط زیستی زنان روستایی کمک نماید.

**واژگان کلیدی:** آموزش محیط‌زیست، سواد محیط‌زیستی، آموزش زنان، زنان روستایی، روستا

## مقدمه

روستاها محل تولید غذا و کشاورزی شغل اصلی روستاییان محسوب می‌شود که این فعالیت بیشترین تأثیرات را بر محیط‌زیست روستایی گذاشته و می‌گذارد، به طوری که این مناطق با مشکلاتی چون فرسایش خاک، آلودگی منابع آب، آلودگی هوای روستا، تغییر کاربری اراضی و تخریب مناطق حفاظت شده روبرو شده است (عزیمی و مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۹۰). قسمت اعظم این مشکلات به عوامل معیشتی و هم‌چنین سوء مدیریت روستاییان نسبت داده می‌شود (شهرکی و بارانی، ۱۳۹۱). استفاده و بهره‌برداری بیش‌تر از توان محیط‌زیست توسط روستاییان، عامل مهم دیگری در تخریب محیط‌زیست می‌باشد (Nasreen et al., 2006). شیوه‌های نادرست زراعت، تغییرات نادرست کاربری زمین، فشار دام به مرتع و قطع و تخریب جنگل‌ها نیز از دلایل دیگر تخریب منابع می‌باشد (بیات و همکاران، ۱۳۹۰). علاوه بر بخش کشاورزی، بخش خانگی نیز معضلاتی برای محیط‌زیست ایجاد کرده است (توکلی و همکاران، ۱۳۸۸). بخش خانگی همواره بیشترین سهم از مصرف انرژی را داشته، به طوری که مصرف انرژی در بخش خانگی ایران سه برابر میانگین جهانی است (عباس‌پور و حاج‌ملاعلی‌کنی، ۱۳۹۱). علاوه بر این، در روستاها باید آلودگی ناشی از مصرف سوخت‌های زیستی را نیز اضافه کرد (عزیمی و مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۹۰). عدم تفکیک و جمع‌آوری و هم‌چنین پراکندگی پسماندها در مناطق روستایی یکی دیگر از مشکلات بخش خانگی است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴). هم‌چنین به دلیل افزایش مصرف‌گرایی، پسماندها نیز به یک معضل جدی در نواحی روستایی تبدیل شده‌اند (کاظمی، ۱۳۹۵). اگر مسائل محیط‌زیستی مسئله و نگرانی هر یک از مردم گردد، نقش مهمی در حفاظت محیط‌زیست بازی خواهند کرد (Probert, 2002). مطالعات حاکی از این است که زنان روستایی در حمایت از حقوق محیط‌زیست نقش مهمی بازی می‌کنند (Coleman, 2013). با این حال، حفاظت محیط‌زیست

توسط زنان تنها در صورتی رخ می‌دهد که آنان از سواد محیط‌زیستی برخوردار باشند. سواد محیط‌زیستی (Environmental Literacy) توانایی است که فرد را قادر به تشخیص تأثیر یک انتخاب بر محیط‌زیست برای انجام عمل سازگار با محیط‌زیست می‌کند (Miller, 2010). ارتقاء سواد محیط‌زیستی در جامعه از طریق آموزش‌های محیط‌زیستی (Environmental Education) دنبال می‌شود. شواهد نیز نشان می‌دهد که چالش‌های محیط‌زیستی روستایی را می‌توان با آموزش کاهش داد. به طوری که آموزش محیط‌زیستی بر مدیریت پسماند، مصرف بهینه آب، کاهش آلودگی، مصرف بهینه انرژی و حفاظت از محیط‌زیست تأثیر مثبت داشته است (رحمان‌پور و رضانی، ۱۳۹۷). در این راستا، برنامه‌های ترویجی می‌تواند نقش کلیدی در کمک به زنان ایفا کنند (Allahyari, 2009). با توجه به این که ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی نقشی مهم و اساسی را در حفاظت اصولی از محیط‌زیست روستایی به‌عهده دارد، لذا باید جایگاه ویژه‌ای نیز برای زنان روستایی با توجه به نقش حساس آنان قائل شد. نادیده گرفتن زنان در برنامه‌های آموزش و حفظ محیط‌زیست و بی‌توجهی نسبت به نقش خلاق آنان، مانع از آن شده تا موقعیت مطلوبی برای شکوفایی نیروها و استعدادهای این بخش از جمعیت پدید آید. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال آن بود تا چالش‌های آموزش زنان روستایی در رابطه با مسائل محیط‌زیست را شناسایی و بررسی کند. بنابراین هدف کلی این پژوهش بررسی و شناسایی چالش‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی استان کرمانشاه بود.

## آموزش‌های محیط‌زیستی

مفهوم آموزش محیط‌زیستی ریشه در جنبش آموزشی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در ارتباط با طبیعت، حفاظت و آموزش در فضای باز دارد (North American Association for Environmental Education, 2011). در سال ۲۰۰۵، یونسکو دهه آموزش برای توسعه پایدار

زمینه‌های متنوع که به نفع خود، گروه و جامعه در حال و آینده است، تصمیم‌گیری کرده و عمل می‌کند (North American Association for Environmental Education, 2011). سواد محیط‌زیستی توانایی است که فرد را نسبت به محیط اطرافش آگاه می‌کند و دانش درک عدم تعادل و تهدیداتی که محیط‌زیست با آن روبرو است را افزایش می‌دهد و فرد را قادر می‌سازد تا نگرش مثبتی در او ایجاد شود، با این هدف که مهارت‌های خود را در جهت حل و جلوگیری از ایجاد مسائل محیط‌زیستی توسعه دهد و برای حفظ و بهبود محیط‌زیست برای نسل‌های حال و آینده مشارکت فعال داشته باشد (Loubser et al., 2001). سواد محیط‌زیستی یک ابزار حیاتی است که در درک روابط قدرت به ما کمک می‌کند و نیاز به توسعه هماهنگ روابط با تمام جنبه‌های محیط زندگی را به ارمغان می‌آورد، اگر قادر به (الف) خواندن پیام‌های محیط‌زیست و (ب) اقدام در جهت بهبود کیفیت و بهبود روابط با محیط باشیم (Gokool-Ramdoe et al., 2012). در واقع سواد محیط‌زیستی یک طیف گسترده است که از ناآگاهی کامل به درک و نگرانی عمیق می‌رسد (Swanepoel et al., 2002). هدف غایی سواد محیط‌زیستی این است که افراد رفتار محیط‌زیستی مسئولانه از خود نشان دهند (Krajhanzl, 2010). رفتار طرفدار محیط‌زیست رفتاری است که (با توجه به دانش علوم محیط‌زیستی) در زمینه جامعه مورد نظر به عنوان یک راه محافظت از محیط‌زیست و با ادای احترام به محیط‌زیست مورد قضاوت قرار می‌گیرد و یا اقداماتی مانند بازیافت و کاهش مصرف انرژی که نسبتاً برای محیط‌زیست بهتر است (Osbaldiston & Schott, 2012).

مطالعات حاکی از این است که برنامه‌های آموزش محیط‌زیستی و ارتقاء سواد محیط‌زیستی در جوامع مختلف با چالش‌هایی روبرو است. Rahman و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند آموزش‌گران در آموزش‌های محیط‌زیستی به دلیل محدودیت زمانی، حجم زیاد کار، وسایل

(۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴) را راه‌اندازی کرد. در سال ۲۰۱۴، "کنفرانس جهانی آموزش برای توسعه پایدار: یادگیری امروز برای یک آینده پایدار" در ژاپن، برنامه اقدام جهانی در زمینه آموزش برای توسعه پایدار (۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹) را راه‌اندازی کرد (Kaya & Elster, 2019). در اکثر تعاریفی که از آموزش‌های محیط‌زیستی وجود دارد، آموزش محیط‌زیست به‌عنوان آموزش محیط زیست برای توسعه پایدار، آموزش برای آینده‌ای پایدار و آموزش برای پایداری در نظر گرفته شده است. با این حال، باتوجه به ماهیت در حال تغییر مشکلات محیط‌زیستی و راه‌حل‌های آن، مفاهیم آموزش محیط‌زیستی با هر نسل در حال تغییر است و در نتیجه، تعاریف آن بسیار زیاد می‌باشد (Cutter & Smith, 2001). رویکردها و تعاریف آموزش محیط‌زیستی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و منعکس‌کننده روابط متنوع جوامع با محیط زیست است (Russell et al., 2000). آموزش مهمترین وسیله‌ای است که جامعه برای مقابله با چالش‌های آینده در اختیار دارد. ویژگی اصلی این آموزش‌ها، حفاظت از طبیعت، احترام به طبیعت و ستایش آن است (Army, 2011). آموزش‌های محیط‌زیستی در نظام آموزش رسمی و همچنین آموزش‌های غیررسمی کشورها دنبال می‌شود، اما آموزش روستاییان به‌ویژه زنان روستایی در برنامه‌های آموزش حفظ محیط زیست کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه جایگاه خاصی ندارد.

### سواد محیط‌زیستی

سواد محیط‌زیستی به عنوان هدف آموزش‌های محیط‌زیستی تصور شده است که مربوط به دانش ژرف فرد از یک اکوسیستم خاص می‌باشد (Abiolu & Okere, 2011). سواد محیط‌زیستی مفهومی است که با گذشت زمان تکامل یافته است (Kaya & Elster, 2019). مفهوم سواد محیط‌زیستی برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ به کار رفت (Roth, 1992). آنچه که در تعریف سواد محیط‌زیستی به‌طور ضمنی آمده است، این است که یک شهروند با ملاحظه و متعهد، با همکاری دیگران، در

فریادی، ۱۳۸۹) نیز از جمله عوامل بازدارنده برشمرده شده است.

## مواد و روش‌ها

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی استان کرمانشاه به روش کیفی انجام شد. جامعه مورد مطالعه، صاحب‌نظران ادارات محیط‌زیست، منابع طبیعی و ترویج کشاورزی و هم‌چنین سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی استان کرمانشاه بودند. نمونه‌ها به صورت هدفمند و با روش نمونه‌گیری ملاک محور انتخاب شدند و افرادی انتخاب شدند که در ارتباط با فعالیت‌های آموزشی و زنان روستایی بودند. کار نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها یعنی روبرو شدن با داده‌های تکراری ادامه یافت. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ۱۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت. تمرکز سوالات بر این بود که آیا برنامه‌ای برای ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی دارید؟ چه دوره‌هایی در جهت حفظ محیط‌زیست روستایی برای زنان برگزار می‌شود؟ آیا می‌توان با شرایط موجود برای ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی کار کرد؟ مسائل و مشکلات پیش روی ترویج سواد محیط‌زیستی در بین زنان روستایی چیست؟ هم‌زمان با جمع‌آوری اطلاعات، متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و با روش تحلیل محتوای متعارف تجزیه و تحلیل شدند. در تحلیل محتوای متعارف محقق داده‌های مورد مطالعه را خلاصه می‌کند تا مفاهیم اصلی مرتبط با موضوع را استخراج نماید (تبریزی، ۱۳۹۳). به‌طور کلی، ۶۲ کد به‌دست آمد که ۸ طبقه را تشکیل دادند. راهبردهایی گوناگونی برای تأیید روایی و پایایی بکار می‌رود که یکی از آن‌ها "مثلث‌سازی" است. مثلث‌سازی شامل مثلث‌سازی منابع داده‌ها، مثلث‌سازی محقق، مثلث‌سازی نظریه و مثلث‌سازی روش می‌باشد (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش از روش مثلث‌سازی مبتنی بر منابع داده بهره گرفته شد. هم‌چنین جهت تأیید یافته‌های مطالعه، نتایج به مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارجاع داده شد.

کمک آموزشی ضعیف، در دسترس نبودن کتابچه راهنما و عدم حمایت مدیران مدرسه مورد چالش قرار گرفته‌اند. در مقابل، چالش‌های یادگیرندگان ناشی از عدم آگاهی از محیط‌زیست، مشکل بهداشت، اعتماد به نفس پایین و مشکل در یادگیری بود. در این راستا، چالش‌های شناسایی شده را می‌توان با شایستگی آموزشگر در تلفیق آموزش محیط‌زیست و رویکردهای آموزش خلاقانه مبتنی بر توانایی یادگیرندگان روستایی و هم‌چنین حمایت دینفغان مربوطه برطرف کرد. Anderson و Jacobson (۲۰۱۸)، ۴۸ مانع شناسایی شده در آموزش محیط‌زیست را در سه عامل طبقه‌بندی کردند که شامل موانع لجستیکی (زمان و پول)، عدم حمایت دولت؛ و موانع نگرشی (عدم علاقه) بودند. Gilbert (۲۰۱۹) در بررسی موانع اجرای آموزش محیط‌زیست در کنیا نشان داد که نگرش معلم، نگرش دانش‌آموز، پشتیبانی دولت و طراحی برنامه درسی از موانع اجرای آموزش محیط‌زیست در مدارس هستند. در مطالعه‌ای سواد محیط‌زیستی زنان اندونزی در مدیریت پسماندهای خانگی از طریق کاهش، استفاده مجدد، بازیافت، اصلاح و بازیابی سنجیده شد. نتایج نشان داد زنان با انجام اقدامات پیشگیرانه در جهت توانمندسازی جوامع خود برای محافظت از محیط‌زیست، از سطح سواد عملیاتی پیشی گرفته‌اند (Astoria, 2019). در پژوهشی دیگر، حمایت سازمان‌هایی مانند شورا و دهیاری تأثیر مثبتی بر مشارکت زنان در مدیریت مصرف آب داشته و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، مانع جدی مشارکت زنان عنوان شده است (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۹). هم‌چنین بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی، آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی و اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت و تربیت فرزندان مانع از مشارکت آنان در برنامه‌های آموزشی ترویجی می‌شود (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). عدم سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های آموزشی ترویجی (زمانی و کرمی‌دهکردی، ۱۳۷۷) و نارسایی‌های قانونی در حفظ محیط‌زیست (عبدالهی و

## نتایج

چالش‌های شناسایی شده ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی در استان کرمانشاه در جدول ۱ ارائه شده است. همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، هشت طبقه در بررسی وضعیت موجود آموزش‌ها و برنامه‌های محیط زیستی برای زنان روستایی و چالش‌های پیش روی آن به

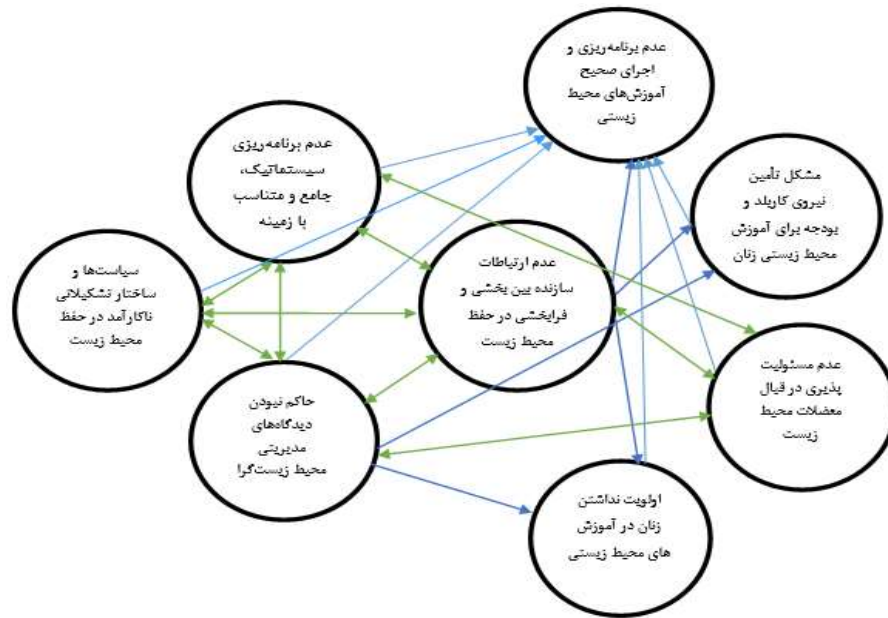
دست آمد. باتوجه به بررسی روابط بین طبقات، طبقه "عدم ارتباطات سازنده بین بخشی و فرابخشی در حفظ محیط‌زیست" به عنوان طبقه محوری در انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی استان کرمانشاه در نظر گرفته شد و با برقراری روابط منطقی بین طبقات، مدل مفهومی ترسیم شد (شکل ۱).

جدول ۱- چالش‌های موجود ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی در استان کرمانشاه

کدها	فراوانی تکرار	زیرطبقات	طبقات
نبود برنامه جامع و هماهنگ برای حفظ محیط‌زیست استان	۸	عدم جامع‌نگری در برنامه‌ریزی‌های کلان	عدم برنامه‌ریزی سیستماتیک، جامع و متناسب با زمینه
عدم جامع‌نگری در برنامه‌ها برای حفظ محیط‌زیست	۴	عدم تناسب برنامه‌ها و پروژه‌های حفظ منابع با شرایط استان	عدم تناسب برنامه‌ها و پروژه‌های حفظ منابع با شرایط استان
دور بودن برنامه‌ها از توسعه پایدار	۲	قصور اداره محیط‌زیست و منابع طبیعی در هدایت سازمان‌های دیگر برای حفظ محیط‌زیست	عدم ارائه برنامه برای حفظ محیط زیست توسط ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی
تصویب پروژه‌ها و برنامه‌های از بالا به پایین	۳	عدم هدایت سازمان‌های دیگر برای حفظ محیط‌زیست	عدم هدایت سازمان‌های دیگر برای حفظ محیط‌زیست
عدم چکش‌کاری پروژه‌ها متناسب با شرایط استان‌ها	۱	دامن‌زدن به تخریب منابع توسط فعالیتهای سازمان جهاد کشاورزی	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال معضلات محیط زیست
نقش کم‌رنگ اداره محیط‌زیست در سازماندهی سازمان‌های دیگر برای حفظ محیط‌زیست	۲	فعالیت‌های سازمان جهاد کشاورزی	فعالیت‌های سازمان جهاد کشاورزی
عدم ارائه برنامه برای حفظ محیط زیست توسط ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی	۲	مشکل بودن جهاد کشاورزی برای حفظ محیط‌زیست	مشکل بودن جهاد کشاورزی برای حفظ محیط‌زیست
تشدید مشکلات منابع طبیعی	۲		
به دلیل توسعه فعالیت‌های کشاورزی	۲		
ناتوانی جهاد در ارائه الگوی کشت متناسب	۲		
عدم دیدگاه محیط‌زیستی در بین جهادی‌ها	۶		
ناتوانی در برابر محدود کردن فعالیت‌های مخرب سازمان جهاد کشاورزی	۶		
نفوذ و تأثیر بیشتر جهاد کشاورزی در روستاها برای هدایت مردم	۲		
عدم همکاری در حفظ منابع با وجود ملی بودن منابع طبیعی و عدم تفاهم و روابط دوجانبه بین ارگان‌های مختلف	۸		
پراکندگی در انجام امور محیط زیستی	۶		
نبود ضمانت اجرایی برنامه‌ها و تفاهم نامه‌ها	۴		
ضعف روابط بین بخشی و روابط فرابخشی در حفظ محیط‌زیست	۴		
انعقاد تفاهم‌نامه‌های ناکارآمد	۳		
کمک گرفتن اداره منابع طبیعی از فنی حرفه‌ای برای برگزاری کلاس‌های مهارتی	۵		

طبقات	زیرطبقات	فراوانی تکرار	کدها
		۵	همکاری محدود اداره محیط‌زیست با دفتر محیط‌زیست و سلامت غذا (اما ترویج و مدیریت امور اراضی نیز با حفظ محیط‌زیست مرتبط است)
		۳	همکاری ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی با آموزش و پرورش در طرح مدرسه سبز
		۳	پایین بودن میزان فعالیت‌های ترویجی در جهت حفظ محیط‌زیست
	اولویت نداشتن حفظ محیط زیست برای سازمان جهاد کشاورزی	۲	مرتبط بودن جهاد کشاورزی با محیط زیست به دلیل توجه به ارتقاء کیفیت تولید در سال‌های اخیر
		۲	تأکید جهاد کشاورزی بر امنیت غذایی
	اولویت نداشتن آموزش در روستایی در آموزش‌های محیط زیستی	۴	اولویت آموزش همگانی محیط زیستی با مراکز آموزشی
		۳	اولویت‌بندی مخاطبان آموزش همگانی محیط‌زیست بر اساس مأموریت سازمان (زنان گاهی جزء مخاطبان نیستند)
		۴	تأکید دوره‌های جوامع محلی بر مردان
		۴	تأکید بر مردان به دلیل عامل تخریب بودن
		۳	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای زنان در جهت درآمدزایی
		۲	اولویت با کسب درآمد حتی در برگزاری دوره‌های موثر در حفظ محیط‌زیست مانند پرورش قارچ
		۴	محدود بودن نیرو و بودجه آموزش
		۲	فشار سازمان‌های مردم نهاد جهت تأمین بودجه
	مشکلات مربوط به تأمین نیروی کاربلد و بودجه برای آموزش زنان	۲	نداشتن نیرو کافی برای عملیاتی کردن اهداف سازمان
		۳	محدودیت نیرو برای آموزش زنان
		۲	کمبود اعتبارات برای آموزش زنان
		۱	پایین بودن دانش اجرایی کارشناسان
		۱	پایین بودن دانش حفظ منابع توسط کارشناسان
		۳	مشکل وجود قوانین متناقض و متفاوت و سیاست‌های بدون تدبیر و ناکارآمد در جهت حفاظت از منابع
		۱	حاکم نبودن قانون در عرصه حفظ منابع
		۵	تشکیلات نامناسب و انتخاب وزراء و مدیران غیرکشاورزی برای جهاد کشاورزی
		۳	لزوم ادغام یا همکاری بیشتر ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی
		۲	نبود مدیریت محیط‌زیست و سلامت غذا در سطح استان
		۱	تأثیر منفی حضور جهادی‌ها در منابع طبیعی
		۲	عدم مقابله سازمان‌های مردم نهاد با انحرافات به دلیل وابستگی به دولت
	ضعف سازمان‌های مردم نهاد در حفاظت از منابع	۲	

طبقات	زیرطبقات	فراوانی تکرار	کدها
		۲	پایین بودن علم و دانش محیط‌زیستی در سازمان‌های مردم نهاد
		۱	نداشتن قدرت تغییر توسط نهادهای مردمی
	دغدغه نبودن حفظ محیط	۷	مهم نبودن حفظ محیط‌زیست برای مسئولین
	زیست برای مدیران	۴	اولویت نداشتن معضلات محیط زیستی روستاها
حاکم نبودن دیدگاه‌های مدیریتی محیط‌زیست‌گرا		۳	عدم تمایل مدیران به دخالت در حوزه کاری یکدیگر
	مدیریت ناکارآمد سازمانی	۳	حاکم نبودن دیدگاه برنامه‌ریزی بلندمدت از سوی مدیران و دامن زدن به تخریب محیط‌زیست
		۲	عملکرد دلخواه مدیران و عدم نظارت بر آنان
		۲	نداشتن علم سیاست‌گذاری و تجربه عملی
		۱۲	برگزاری کلاس آموزشی با استفاده از روش سخنرانی برای روستاییان و زنان
عدم برنامه‌ریزی و اجرای صحیح برنامه‌ها و	تأکید بیشتر بر استفاده از روش‌های آموزشی یک طرفه	۸	آموزش از طریق صدا و سیما و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی
		۷	آموزش از طریق پوستر و نشریات
		۵	توجه به آموزش‌های مهارتی در جهاد کشاورزی و منابع طبیعی با استفاده از کارگاه آموزشی
		۱	برگزاری محدود همایش، نمایشگاه و جشنواره برای آموزش
	استفاده محدود از وسایل کمک آموزشی	۵	عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی
		۴	استفاده کم از پاورپوینت و مواد چاپی
	عدم انجام نیازسنجی و ارزشیابی	۸	تناسب پایین محتوای آموزشی حفظ محیط‌زیست با نقش زنان در خانواده و روستا
		۳	عدم انجام ارزشیابی و ترک جامعه محلی بعد از برنامه‌ها و آموزش‌ها
آموزش‌های محیط زیستی			مشارکت محدود زنان در برنامه‌های حفظ محیط زیست (جز در مواردی مانند همیار طبیعت، پروژه منارید، طرح توانمندسازی)
	عدم توجه به مشارکت زنان در برنامه‌های حفظ محیط زیست	۷	
		۴	عدم توجه به نقش زنان در حفظ معضلات محیط زیست



شکل ۱- چالش‌های ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی استان کرمانشاه

بر طبق نتایج، "نقص در قوانین و سیاست‌های موجود برای حفظ منابع"، "مشکلات تشکیلاتی و ساختاری موجود سازمان‌ها" و "ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد در حفاظت از منابع" موجب شده تا "فقدان سیاست‌ها و ساختار تشکیلاتی کارآمد" به معضل عمده‌ای برای حفظ محیط‌زیست تبدیل شود. "ضعف هماهنگی و همکاری در حفظ محیط‌زیست" و "همکاری محدود سازمان‌های مرتبط با محیط‌زیست و نهادهای آموزشی" مانع از گسترش برنامه‌های آموزشی حفظ محیط‌زیست در جامعه به علت "عدم ارتباطات سازنده بین بخشی و فرابخشی در حفظ محیط‌زیست" شده است. به علاوه "حاکم نبودن دیدگاه‌های مدیریتی محیط زیست‌گرا" در سازمان‌ها سبب شده تا فعالیت‌های حفظ محیط‌زیست و توجه به توسعه پایدار مورد غفلت قرار گیرد. مجموعه این عوامل سبب شده تا "عدم برنامه‌ریزی و اجرای صحیح برنامه‌ها و آموزش‌های محیط‌زیستی" در جامعه محلی اتفاق افتد.

بر اساس شکل ۱، "عدم برنامه‌ریزی سیستماتیک، جامع و متناسب با زمینه"، "عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال معضلات محیط‌زیست" و "عدم ارتباطات سازنده بین بخشی و فرابخشی در حفظ محیط زیست" سبب شده تا اقدامات فراگیر و جامعی برای ترویج حفظ محیط‌زیست روستایی صورت نگیرد. از طرف دیگر، "اولویت نداشتن زنان روستایی در آموزش‌های محیط‌زیستی" به دلیل "اولویت نداشتن حفظ محیط زیست برای جهاد کشاورزی"، "اولویت با مراکز آموزشی در آموزش همگانی محیط‌زیست"، "محور بودن مردان در آموزش‌ها و برنامه‌های منابع طبیعی" و "در نظر گرفتن زنان در برنامه‌های آموزشی جهت کسب درآمد" سبب شده تا زنان روستایی از برنامه‌ها و آموزش‌های حفظ محیط‌زیست دور باشند. همچنین "مشکلات مربوط به تأمین نیروی کاربلد و بودجه کافی برای آموزش به‌ویژه جهت آموزش زنان به دلیل "محدودیت نیرو و بودجه برای آموزش محیط‌زیستی"، "محدودیت نیرو و اعتبارات برای آموزش زنان" و "نداشتن دانش علمی و عملی در بین تعدادی از کارشناسان"، باعث نادیده گرفتن زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی شده است.



## بحث

امروزه مشکلات محیط‌زیستی به حدی است که از آن به عنوان بحران عصر حاضر یاد می‌شود. بی‌شک فعالیت‌ها و رفتارهای انسان نقش عمده‌ای در وضعیت موجود محیط‌زیست دارد. به موازات محیط‌زیست شهری، وضعیت محیط‌زیست روستایی نیز جای نگرانی دارد. فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی در روستاها از یک طرف و فعالیت‌های روزمره زندگی روستایی سبب شده تا مشکلات محیط‌زیستی روستاها نیز مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که وضعیت فعلی محیط‌زیست نتیجه رفتارهای غیر دوستانه مردم با محیط زیست است و اگر بتوان مردمی با سواد محیط‌زیستی تربیت کرد، آنگاه کاهش معضلات محیط‌زیست دور از ذهن نخواهد بود. نظر به اینکه در روستاها زنان مدیران خانه و از تولیدکنندگان روستایی به‌شمار می‌روند و وظیفه مهم تربیت نسل آینده را برعهده دارند، اگر هدف بسیاری از برنامه‌ها و آموزش‌های محیط‌زیستی قرار گیرند، می‌توانند سطح سواد محیط‌زیستی جامعه را بهبود بخشند.

بررسی وضعیت موجود ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی نشان داد که زنان جایگاه خاصی در برنامه‌ها و آموزش‌های سازمان‌ها در جهت حفظ محیط زیست ندارند. براساس نتایج، روحیه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در ادارات مرتبط با محیط‌زیست پایین بوده و هر نهادی وضعیت موجود محیط‌زیست را به کوتاهی نهادها و سازمان‌های دیگر ارتباط می‌دهد. شاید یکی از علت‌های اصلی، این مسئله باشد که شاهد تعامل و ارتباطات مستمر و پویایی بین این نهادها نیستیم. عدم ارتباطات فرابخشی و بین بخشی، حلقه مفقوده در حفظ محیط‌زیست است که سبب شده تا نتوان اقداماتی هماهنگ، مؤثر و فراگیر را به اجرا گذاشت که سازمان‌ها ملزم به رعایت و یا پاسخگویی شوند. در گذشته، شورای عالی محیط‌زیست مرکب از وزرای مرتبط با حفاظت

محیط‌زیست، نهادی را ایجاد کرده بود که تصمیم‌های کلان را با مشارکت همه زیربخش‌ها اتخاذ می‌کردند و از بروز اختلاف و ناهماهنگی جلوگیری می‌شد. با حذف این شورا و عدم وجود نهادی جایگزین برای هماهنگ‌سازی در امر حفاظت محیط‌زیست، شیوه همکاری و اتخاذ رویکردهای مشترک میان سازمان‌های مرتبط با محیط زیست معلوم نیست (عبدلهی و فریادی، ۱۳۸۹)، لذا عدم وجود یک سامانه سیاست‌گذاری هماهنگ، عدم اطلاعات بین سازمانی و به اشتراک‌گذاری دانش در وضعیت کنونی محیط‌زیست نقش داشته است (Doanh *et al.*, 2004). از طرف دیگر، به علت عدم برنامه‌ریزی سیستماتیک، جامع و متناسب با زمینه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی هر جامعه، برنامه‌های تک بعدی و نامناسب تدوین و اجرا می‌شود که از پایداری به دور بوده و تنها برچسب پایداری دارند. مسئله دیگر این است که برخی از مدیران سازمان‌ها دیدگاه محیط زیست‌گرایانه ندارند. به علاوه، برنامه‌ها و طرح‌هایی که تصویب کرده و به اجرا می‌گذارند، افق کوتاه مدت و عدم توجه به ابعاد محیط‌زیستی را مورد توجه قرار می‌دهد. توجه به بعد محیط‌زیستی برنامه‌ها نیازمند مطالعه دقیق بوده و ممکن است یک برنامه را با توجه به اثرات نامناسب آن کاملاً منحل کرده و یا هزینه‌های بیشتری را تحمیل کند، به همین دلیل، قصور و عدم توجه به بعد محیط‌زیستی ساده‌تر و مقرون به صرفه‌تر می‌باشد. مطالعات گذشته نیز نشان می‌دهد که توجه به توسعه اقتصادی یکی از عوامل تعیین‌کننده در اتخاذ تصمیمات دولت‌هاست، لذا تقدم حفظ محیط‌زیست در عمل با مشکل مواجه می‌گردد. همچنین، عدم آگاهی یا باور محیط‌زیستی تصمیم‌سازان موجب بی‌تفاوتی آن‌ها در مورد اهمیت حفاظت از محیط‌زیست می‌گردد. به عبارتی، این امر نه تنها منجر به تصمیم‌گیری‌های ضعیف و مضر برای محیط‌زیست می‌گردد، بلکه آموزش‌های محیط‌زیستی در حوزه مدیریتی آن‌ها امری همچنان مغفول باقی می‌ماند (همتی و شبیری، ۱۳۹۵).

روستایی هستند که از خود درآمدی نداشته و یا درآمد بسیار کمی دارند. افزایش درآمد زنان در جامعه روستایی نقش زیادی در تقویت اعتماد به نفس، افزایش مشارکت و توانمندسازی آنان دارد. به همین دلیل، ایجاد منبع درآمدی برای زنان روستایی هدف آموزش‌های زنان روستایی است.

به‌طور کلی، نقش زنان در حفاظت محیط‌زیست جدی گرفته نشده است و زنان در برنامه‌ها و آموزش‌های حفظ محیط‌زیست و منابع درگیر نشده‌اند. به نظر می‌رسد که علاوه بر هدف‌گذاری سازمان، کار با زنان روستایی به علت فضای حاکم بر روستاها و مشغله‌های متعدد زنان سخت باشد که همین امر سبب می‌شود، تمایل کمتری برای این کار وجود داشته باشد. همچنین این سازمان‌ها، زنان را به اندازه مردان در تخریب محیط‌زیست مسئول نمی‌دانند. البته، کمبود نیرو، بودجه و عدم استقبال مردم از این آموزش‌ها نیز بر عملکرد آموزشی سازمان‌ها تأثیر دارد و بنابراین کار در زمینه ترویج سواد محیط‌زیستی زنان روستایی با توجه به شرایط موجود سخت می‌باشد. با توجه به اینکه زنان روستایی در اکثر برنامه‌ها و آموزش‌های حفظ محیط‌زیست نادیده گرفته شده‌اند، پیشنهاد می‌شود برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنان در حفظ محیط‌زیست و ارتقاء نقش زنان در جامعه، برای آنان برنامه‌ها و فعالیت‌هایی متناسب با نیازها و ویژگی‌هایشان در نظر گرفت.

بر مبنای نتایج، ایجاد دفتر محیط‌زیست و توسعه پایدار به برقراری ارتباط شبکه‌ای در حفظ محیط‌زیست کمک می‌کند، به همین علت پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان امکان عملی کردن این پیشنهاد را مورد بررسی قرار دهند.

با توجه به اینکه یکی از موانع مشارکت سازمان‌ها، مدیران و تصمیم‌گیرندگان هستند، پیشنهاد می‌شود تا مدیران سازمان‌های مرتبط با حفظ محیط‌زیست برای آشنایی با فعالیت‌های مشارکتی، تصمیم‌گیری‌های

کمبود بودجه و منابع مالی نیز سبب شده که فعالیت‌های آموزشی به ویژه برای زنان روستایی کم باشد. کمبود بودجه و منابع مالی از دلایل عدم موفقیت سازمان محیط‌زیست در کنترل و مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی شمرده شده است (عبداللهی و فریادی، ۱۳۸۹). محدودیت نیرو و بودجه سبب می‌شود تا مخاطبان برنامه‌های آموزشی اولویت‌بندی شوند. از آنجایی که این اعتقاد وجود دارد که اگر نسل جدید را آموزش داد، می‌تواند این آموزش‌ها را به والدین خود منتقل کند، معمولاً بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها برای موسسات آموزشی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، مهدکودک‌ها و غیره صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، شاید مدرسه تنها جایی باشد که بتواند بهترین آموزش‌های محیط‌زیستی را ارائه کند، چرا که این آموزش‌ها از طریق رسانه‌ها و موسسات دیگر کمتر مورد توجه است. در کشورهای توسعه یافته آموزش‌های محیط‌زیستی از طریق نظام آموزش رسمی و در مدارس و دانشگاه‌ها دنبال می‌شود (Chapman, 2014; Niu *et al.*, 2010). به همین علت، شاید زنان گاهی جزو مخاطبان آموزش‌های محیط‌زیست نیز نباشند. بنابراین می‌توان این گونه نتیجه گرفت که با توجه به اینکه اداره کل محیط‌زیست متولی اصلی آموزش‌های محیط‌زیستی است، اما حجم برنامه‌ها، تنوع و دسترسی‌پذیری آن‌ها مناسب نیست (عبداللهی و فریادی، ۱۳۸۹). تحقیقات گذشته نیز پایین بودن آموزش در مسائل محیط‌زیستی را در وضعیت کنونی محیط‌زیست مؤثر دانسته است (Doanh *et al.*, 2004). اینکه سازمان محیط‌زیست به تنهایی مسئولیت آموزش و افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه محیط‌زیست را به عهده داشته باشد، انتظار نابه‌جایی است، بلکه نهادها و سازمان‌های مختلف که مسؤلیت آموزش را بر عهده دارند، بایستی در راستای آموزش محیط‌زیستی تلاش نمایند (همتی و شبیری، ۱۳۹۵). اما آموزش‌هایی که برای زنان روستایی اجرا می‌شود، بیشتر با هدف درآمدزایی است، چرا که زنان قشر ضعیف جامعه

سکونتگاهی بوشهر. همایش ملی مدیریت بحران آب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، اسفندماه ۱۳۸۸.

۴. رحمان پور، ش. و رمضانی، م.، ۱۳۹۷.

بررسی نقش آموزش محیط زیست جوامع محلی در عملکرد زیست محیطی شهروندان محدوده منطقه ۵ شهرداری تبریز. مطالعات جامعه شناسی. دوره ۱۱، شماره ۴۱، صفحات: ۱۶۹-۱۵۱.

۵. زمانی، غ. و کرمی دهکردی، اس.، ۱۳۷۷.

بررسی دیدگاه‌های متخصصین و کارشناسان داخلی نسبت به نظام ترویج مطلوب در ایران. جهاد. شماره ۲۱۲ و ۲۱۳.

۶. شهرکی، م. و بارانی، ح.، ۱۳۹۱. بررسی و

رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع استان گلستان. نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی. دوره ۱، شماره ۳، صفحات: ۷۸-۵۹.

۷. طباطبایی، ا.؛ حسینی، پ.؛ مرتضوی، ح. و

طباطبایی چهر، م.، ۱۳۹۲. راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. جلد ۵، شماره ۳، صفحات: ۶۷۰-۶۶۳.

۸. عباس پور، م. و حاج ملاعلی‌کنی، ع.،

۱۳۹۱. مدیریت مصرف انرژی در بخش خانگی و تجاری با تکیه بر تولید داخلی از طریق فن‌آوری اطلاعات و مدل‌های رگرسیونی. علوم و تکنولوژی محیط زیست. دوره ۱۴، شماره ۲، صفحات: ۹۷-۸۹.

۹. عبدالهی، م. و فریادی، م.، ۱۳۸۹.

چالش‌های حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست ایران. علوم محیطی. دوره ۷، شماره ۴، صفحات: ۱۸۰-۱۴۳.

جمعی، کار تیمی و مزایای این گونه مشارکت‌ها و همچنین آشنایی با مفاهیم پایداری آموزش ببینند.

نتایج نشان داد که یکی از مشکلاتی که در زمینه ترویج فرهنگ حفظ محیط‌زیست و منابع وجود دارد، ناکارآمدی و ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای حفظ محیط زیست آموزش داده شده و برای ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد قدرتمند و واقعی، بستر تشکیل این نهادها در خود روستاها فراهم شود و سازمان‌های محلی زنان روستایی را توسعه داد.

بر مبنای نتایج، سازمان‌ها بیشتر بر استفاده از روش‌های آموزشی یک طرفه در آموزش تأکید دارند و از طرفی، سطح مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی نیز پایین است، لذا پیشنهاد می‌شود برای افزایش مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی از روش‌های آموزشی مشارکتی و فعال استفاده شود.

با توجه به اینکه نتایج حاکی از تناسب پایین محتوای آموزشی حفظ محیط زیست با نقش زنان در خانواده و روستا دارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که تعیین محتوای آموزش برای زنان با استفاده از نیازسنجی صورت گیرد و موضوعات مورد علاقه آنان در آموزش لحاظ شود.

## منابع

۱. بیات، ن.؛ رستگار، ا. و عزیزی، ف.، ۱۳۹۰. حفاظت محیط زیست و مدیریت منبع خاک روستایی در ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. دوره ۱، شماره ۲، صفحات: ۷۸-۶۳.
۲. تبریزی، م.، ۱۳۹۳. تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۶۴، صفحات: ۱۳۸-۱۰۵.
۳. توکلی، م.؛ فاضل‌نیا، غ. و زارعی، ی.، ۱۳۸۸. ارزیابی الگوی مصرف آب در مناطق

17. **Allahyari, M.S., 2009.** Agricultural sustainability: Implications for extension systems. *African Journal of Agricultural Research*. Vol. 4. No. 9. pp: 781 -786.
18. **Anderson, C. & Jacobson, S., 2018.** Barriers to environmental education: How do teachers' perceptions in rural Ecuador fit into a global analysis? *Environmental Education Research*. Vol. 24. No. 3. pp: 1-13.
19. **Arny, M., 2011.** Implementation of sustainability education among elementary school students by activating the "GREEN SCHOOL" program. PhD Thesis, Babe-Bolyal University.
20. **Asteria, D., 2019.** Women's Environmental Literacy in Managing Waste for Environmental Sustainability of the City. *Development*. Vol. 62. No. 2.
21. **Chapman, P., 2014.** Environmental Education and Sustainability in U.S. Public Schools. <https://www.invernessassociates.org/sites/default/files/USGreenSchools12114.pdf>
22. **Coleman, F., 2013.** Pan-African Strategies for Environmental Preservation: Why Women's Rights are the Missing Link. *Berkeley Journal of Gender, Law & Justice*. Vol. 23. No. 1. pp: 181-207.
23. **Cutter, A. & Smith, R., 2001.** Gauging Primary School Teachers' Environmental Literacy: An Issue of 'Priority'. *Asia Pacific Education Review*. Vol. 2. No. 2. pp: 45-60.
24. **Doanh, Le Quoc et al., 2004.** Participatory Rural Environmental Management: Synthesized Report. Vietnam Agricultural Science Institute. Project: VIE/00/018/08.
25. **Gokool-Ramdoo, S.; Ramjaun, A. & Bholah, R., 2012.** Systemic Approach to Environmental Literacy: Towards a sustainable Africa. Triennale on Education and Training in Africa (Ouagadougou, Burkina Faso, February 12-17).
26. **Kaya Volkan H. & Elster, D., 2019.** A Critical Consideration of Environmental Literacy: Concepts, Contexts, and Competencies. *Sustainability*. Vol. 11. No. 6. pp: 1581
27. **Krajhanzl, J., 2010.** Environmental and Proenvironmental Behavior. *Health*
۱۰. **عزیمی، آ. و مطیعی لنگرودی، س. ح.، ۱۳۹۰.** مروری بر مشکلات زیست محیطی روستاهای ایران و راهکارهای حل این مشکلات. فصلنامه مسکن و محیط روستا. دوره ۳۰، شماره ۱۳۳، صفحات: ۱۰۱-۱۱۵.
۱۱. **کاظمی، ن.، ۱۳۹۵.** گروه‌های متفاوت روستایی و حفاظت از محیط زیست. مسکن و محیط روستا. دوره ۳۵، شماره ۱۵۵، صفحات: ۱۴۳-۱۵۷.
۱۲. **میرزایی، ح؛ صادقی، ش؛ دارینی، ف. و ساقی، م.، ۱۳۹۴.** ارزیابی کیفیت و کمیت زباله روستاهای تحت پوشش شهرستان فیروزه. مجله کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار(بیهق). دوره ۲۰، شماره ۴ (پیاپی ۳۵)، صفحات: ۲۵-۳۱.
۱۳. **میرک‌زاده، ع؛ علی‌آبادی، و. و شمس، ع.، ۱۳۸۹.** واكاي موانع مشاركت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. فصلنامه روستا و توسعه. دوره ۱۳، شماره ۲، صفحات: ۱۴۷-۱۶۵.
۱۴. **نیکخواه، ه؛ ظهیری نیا، م. و کمالی، س. م.، ۱۳۹۹.** بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب. جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۳۱، شماره ۳، صفحات: ۱۲۱-۱۴۲.
۱۵. **همتی، ز. و شبیری، س. م.، ۱۳۹۵.** بررسی وضعیت آموزش محیط‌زیست در کشور ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان. فصلنامه انسان و محیط زیست. دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۳۷)، صفحات ۸۱-۶۱.
16. **Abiolu, O. A. & Okere, O.O., 2011.** Environmental literacy and the emerging roles of information professionals in developing economies. *International Federation of Library Associations and Institutions*. Vol. 38, No. 1. pp: 53-59.

- Students. Creative Education. Vol. 9. No. 1. pp: 43-55.
37. **Roth, C., 1992.** Environmental literacy: Its roots, evolution, and directions in the 1990s. ERIC Publications. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED348235.pdf>
38. **Russell, C. L.; Bell, A. C. & Fawcett, L., 2000.** Navigating the waters of Canadian environmental education. In T. Goldstein & D. Selby (Eds). Weaving connections: Educating for peace, social and environmental justice. pp: 196-217 Toronto: Sumach Press.
39. **Swanepoel, C.H.; Loubser, C.P. & Chacko, C.P.C., 2002.** Measuring the environmental literacy of teachers. South African Journal of Education. Vol. 22. No. 4. pp: 282-285.
- Education: International Experiences, School and Health 21.
28. **Loubser, C.P.; Swanepoel, C.H. & Chacko, C.P.C., 2001.** Concept formulation for environmental literacy. South African Journal of Education. Vol. 21. No. 4. pp: 317-323.
29. **Miller, K., 2010.** Environmental literacy and green volunteer opportunities for your community.
30. **Mutai Cheruiyot, G., 2019.** Barriers to implementation of environmental education in secondary schools in Molo, Nakuru County, Kenya. A Research Report Submitted In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science (Environmental Education) in the School of Environmental Studies of Kenyatta University
31. **Nasreen, M.; Hossain, K.M. & Kundu, D.K., 2006.** The Interrelationship between Poverty, Environment and Sustainable Development in Bangladesh: An Overview. Bangladesh e-Journal of Sociology. Vol. 3. No. 2. pp: 70.
32. **Niu, D.; Jiang, D. & Li, F., 2010.** Higher education for sustainable development in China. International Journal of Sustainability in Higher Education. Vol. 11. No. 2. pp: 153-62.
33. **North American Association for Environmental Education (NAAEE), 2011.** Developing a Framework for Assessing Environmental Literacy. Washington, D.C.
34. **Osbaldiston, R. & Schott, J. P., 2012.** Environmental Sustainability and Behavioral Science: Meta-Analysis of Proenvironmental Behavior Experiments. Environment and Behavior. Vol. 44. No. 2. pp: 257-299.
35. **Probert, E.J., 2002.** An environmental initiative with university business students. Applied Environmental Education and Communication. Vol. 1. No. 1. pp: 53-9.
36. **Rahman, N.; Halim, L.; Ahmad, A. & Soh, T., 2018.** Challenges of Environmental Education: Inculcating Behavioural Changes among Indigenous

## The Challenges of Rural Women Environmental Literacy Extension: A Case of Kermanshah Province

Fateme Pourghasem<sup>1</sup>, Amir Hossein Alibaygi\*<sup>1</sup>, Abdolhamid Papazan<sup>1</sup>

<sup>1</sup>\*- Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

### Abstract

This qualitative research was conducted with the aim of investigating the challenges of rural women's environmental literacy extension in Kermanshah province. The study population consisted of experts' environment, natural resources, agricultural extension and nongovernmental organizations in Kermanshah province. Samples were selected using purposeful and criterion sampling method. Content analysis of data showed that the lack of systematic, comprehensive and appropriate planning with context, the lack of accountability and responsibility for environmental issues, the lack of between and within sections communication, the lack of priority of rural women in environmental education, problems related to the provision of skilled force and adequate funding for education, especially for women's education, inefficient policies and organizational structure and the lack of environmental perspectives has led to the lack of planning and proper implementation of programs and environmental education, especially for women. The results of this study can help planners to improve the level of environmental education for rural women.

**Keywords:** Environment Education, Environmental Literacy, Women Education, Rural Women, Rural.